



Vol.17, No. 40, summer 2022,
Quarterly
ISSN: 1735-4536
Islamicedu@irhu.ac.ir

Modesty from the Viewpoint of the Quran and Hadiths and its Status in Education

Kamran Jabari (Ph.D), (Corresponding author: Assistant Professor, Department of Philosophy of Educational, Payame Noor University, Tehran, Iran, Kamranjabari@pnu.ac.ir)

Ghasem Mohammadyari (Ph.D), (Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran, gmohamadyari@pnu.ac.ir)

Zahra Etminan Zarenas (Ph.D) (Master's degree in History and Philosophy of Education, Payame Noor University, Tehran, Iran, etminan.z@chmail.ir)

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2021/3/1

Accepted: 2021/9/19

Key Words:

Quran,
Hadiths,
Modesty,
Supervisor,
Self-control

ABSTRACT

Modesty is the basis of most completely moral system and is based on preserving human dignity. In the modesty-centered moral system, understanding the presence of God leads to self-control on tendency to good thought, good emotions and behaviors and avoiding bad thought, emotions and behaviors due to the feeling of dignity and worth and greatness based on modesty cause one to turn away from guilt and lay the groundwork for nearness to God. In this research, done through descriptive method of documentary analytical type, while studying the Quran and the hadith principles of modesty, the position of modesty in the field of goals, principles and methods of education are discussed. The study of verses and hadiths showed that modesty is one of the basic pillars of self-control that is motivated neither by fear nor greed, but by self-respect. Also, the position of modesty in the field of educational goals is in four areas of belief, morality, worldly affairs and hereafter. These include nearness to God, growth of moral virtues, self-control and hope. The position of modesty in the field of principles of education includes the principle of thinking, the principle of dignity, the principle of moderation and the principle of asceticism, and the position of modesty in the field of educational methods includes methods patterning, the method of love and the method of reminding.

حیا از منظر قرآن و روایات و جایگاه آن در تعلیم و تربیت

کامران جباری (نویسنده مسئول، استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ Kamranjabari@pnu.ac.ir)

قاسم محمدیاری (استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ gmohamadyari@pnu.ac.ir)

زهرا اطمینان زره ناس (دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه پیام نور، تهران؛

etminan.z@chmail.ir)

اطلاعات مقاله

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۸

واژگان کلیدی:

قرآن،

روایات،

حیا،

ناظر،

خود-کنترلی

در این پژوهش که به روش توصیفی از نوع تحلیل اسنادی انجام گرفته است، ضمن بررسی مبانی قرآنی و روایی حیا، اهداف، اصول و روش‌های پرورش حیا تبیین شده است. مطالعه آیات و روایات نشان داد که حیا از ارکان بنیادین خود کنترلی است که انگیزه آن را نه ترس و نه طمع، بلکه احترام به خود تشکیل داده است. همچنین، اهداف تعلیم و تربیت حیا در چهار حیطه اعتقادی، اخلاقی، دنیوی و اخروی عبارتند از: قرب الهی، رشد مکارم اخلاقی، تسلط بر نفس و امیدواری و اصول تربیتی آن عبارتند از: اصل تفکر، اصل کرامت، اصل اعتدال و اصل زهد و روش‌های تربیت آن عبارتند از: روش الگودهی، روش محبت و روش تذکر.

مقدمه

حیا نیرو و توان درونی مهار خود و تنظیم درونی رفتارها، افکار و هیجان‌ها، از ارکان بنیادین موفقیت بشر، چه در بعد شخصی و چه در بعد اجتماعی است. در باب اهمیت و جایگاه حیا همان بس که در نظام اخلاقی و شایستگی‌های اخلاقی، حیا در رأس «مکارم اخلاقی» قرار دارد (پسندیده، ۱۳۸۳، ص ۷). با نگاه به آیات و روایات به خصوص قصص قرآن برای مثال آیه ۲۴ سوره یوسف، چگونگی تنظیم تکانه‌ها و بازداری از گناه و گرایش به عمل با فضیلت حضرت یوسف نشانگر استقرار کامل‌ترین نظام اخلاقی در وجود آن حضرت بود که توانسته خود را به ساحل امن برساند. همچنین، روایات متعددی وجود دارد که نشان‌دهنده جایگاه ممتاز این صفت در ساختار روانی انسان و حکایت‌گر اهمیت فوق‌العاده آن در موفقیت انسان است. این جایگاه ممتاز، به جهت ماهیت ویژه حیا است. رسول گرامی اسلام، خلق و خوی اسلام را حیا معرفی کرده و می‌فرماید: هر دینی خوئی دارد و خوی اسلام، حیا است (قزوینی، ۷۹۳۵، ج ۲: ۱۳۹۵). حیا نیرویی است مهارکننده و نظم‌دهنده که سایر رفتارهای روانی و فیزیکی انسان را براساس شرع و عرف تنظیم می‌کند (پسندیده، ۱۳۸۳، ص ۳۱). مهار و تنظیم رفتارها، افکار و هیجان‌ها به دو بخش بیرونی و درونی تقسیم می‌شود و بازدارنده‌ترین و مؤثرترین نوع آن، مهار و تنظیم درونی است. «حیا» از کارآمدترین و مهم‌ترین نیروهای بازدارنده درونی است. برتری بازدارندگی حیا بر دیگر عامل‌های بازدارنده، بدین جهت است که حیا، نه مبتنی بر ترس است و نه مبتنی بر طمع؛ بلکه مبتنی بر احترام به خود یا کرامت انسانی است که براساس آن، وقتی فرد خود را در حضور شخصی کریم بیابد، از ارتکاب زشتی‌ها خودداری و رفتار خود را به‌طور درونی تنظیم می‌کند. امروزه کمتر به موضوع حیا پرداخته می‌شود و نظام‌های کنترل‌کننده و نظم‌دهنده، بیشتر «ترس محور» و یا «طمع محور» هستند. در این رابطه، تربیت حیا محور به‌عنوان زیرشاخه‌های تربیت دینی، در جهت رساندن انسان به رشد و بلوغ و هدایت او به حق و کمال، می‌کوشد تا انسان تربیت یافته به دنبال تزکیه نفس خویش باشد و انسان را از آثار تربیتی حیا بهره‌مند سازد.

در اهمیت حیا و توجه به آن همین بس که حیا را علت پاکدامنی و عفت می‌دانند. می‌توان گفت عفت و پاکدامنی، همانند پرده آخری است که به واسطه دو پرده دیگر یعنی حجاب و حیا محافظت می‌شود. در حدیثی آمده است: «پیش درآمد عفت و پاکدامنی، داشتن حیا است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۵۴۴۴). در حقیقت عفت، حیاست و معلول، عفت. عفت در روایات از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را بهترین اعمال شمرده‌اند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «خداوند با چیزی برتر و والاتر از پاکدامنی شکم و شهوت، عبادت نشده است» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۹). در این رابطه علی علیه السلام می‌فرماید: «پاداش رزمنده شهید در راه خدا بالاتر از پاداش انسان پاکدامنی نیست که توان انجام گناه را دارد، ولی خود را آلوده نمی‌سازد. انسان پاکدامن نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان الهی گردد» (نهج البلاغه، ح ۴۷۴). بنابراین، شایسته است این حوزه مهم و تأثیرگذار، مورد بررسی‌ها و تحقیقات علمی قرار گیرد و جایگاه شایسته خود را بیابد.

حیا در لغت به معنای حیات است که در مقابل موت و مرگ است و معنای دیگر آن شرم و آزر است که در مقابل وقاحت و بی‌شرمی است (احمدبن فارس، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۲؛ خلیل‌بن احمد فراهیدی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۱۷). در فرهنگ لغت دهخدا (۱۳۷۷) حیا به معنای شرم و آزر آمده است.

حیا از نگاه اندیشمندان اخلاق با توجه به جایگاه آن در نظام اخلاقی افراد مورد توجه اندیشمندان اخلاق بوده است. غزالی (۱۳۷۴، ص ۸۶) حیا را نقطه اعتدال دو رذیلت پررویی و کم‌رویی می‌داند و نراقی (۱۳۶۷، ص ۳۶۸) در تعریف حیا چنین گفته است: «حیا، محدودیت و در تنگنا افتادن نفس در ارتکاب محرمات شرعی و عقلی و عرفی، از ترس نکوهش و سرزنش است و آن اعم از تقواست؛ زیرا تقوا اجتناب از گناهان شرعی است و حیا اعم از این و اجتناب از آنچه عقل و عرف نیز زشت و ناپسند می‌دانند، است. حیا، ملکه‌ای نفسانی است که موجب انقباض نفس از فعل قبیح (کار زشت) و انزجار (بیزاری) آن از کار خلاف ادب می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۲۹). همچنین، حیا به معنای شرم و خجالت از انجام کار صحیح و یا کم‌رویی نیست. در این باره روایتی از امام صادق علیه السلام هست که

می‌فرماید: «مَنْ رَقَّ وَجْهُهُ رَقَّ عِلْمُهُ» «هر کس کم‌رو باشد، کم دانش است» (الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶، ح ۳).

حیا دارای سه رکن اصلی است: فاعل، ناظر و فعل (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۱، ص ۳۱) و پسندیده (۱۳۸۳، ص ۳۱) رکن چهارمی هم برای حیا قائل است که آن را مهار نفس نامیده است. فاعل در حیا شخصی برخوردار از کرامت و بزرگواری نفسانی است؛ یعنی برای خود ارزش قائل است و حاضر نیست خود را با کارهای زشت آلوده کند. فعل در حیا، عمل ناپسند و زشت یا حتی بعضی اعمال مباح یا مثبت است که به دلیلی نابهنجار است و فاعل، نابهنجاری آن را درک می‌کند؛ و یا ترک عملی، ناپسند است و انسان از ترک آن کار حیا می‌کند و بنابراین آن را انجام می‌دهد. ناظر در حیا شخصی است که مقام و منزلت او در چشم فاعل عظیم و شایسته احترام است و حضور او درک می‌شود (بانکی‌پورفرد، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

در این رابطه، براساس آیات و روایات، ناظر در حیا، به پنج دسته تقسیم می‌شود: مردم، خود، حجت‌های خداوند (معصومان)، فرشتگان و خداوند. بالاترین مرحله نظارت، ناظر دانستن خداوند بر اعمال بندگان است: « (علق، ۱۴). هر چه رشد انسان بالاتر باشد، به مراتب بالاتری از حیا از جهت ناظرهای پنج‌گانه دست می‌یابد. درک ناظرهایی مانند خداوند، فرشتگان، معصومان و حتی خود فرد، درجه بالاتری از رشد را نیاز دارد و ناظری مانند مردم، به درجه پایین‌تری از رشد نیاز دارد (پسندیده، ۱۳۸۳، ص ۹۱). اگر بنده‌ای معتقد به این باشد که خدا به‌عنوان مراقب، او را می‌بیند و در عین حال گناه می‌کند، حیا ندارد و به قدرت خدا جاهل است؛ و اگر معتقد باشد که خداوند او را نمی‌بیند، کافر است (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۸۸).

ریشه حیا

در روایتی آمده است که یکی از نوادگان یهودا، حواری حضرت عیسی علیه السلام، به نام شمعون نزد پیامبر آمد و عرض کرد: عقل چیست و چگونه است و چه چیزهایی از آن منشعب می‌شود؟ و خواست که پیامبر همه طائفه‌های منشعب از عقل را برای او معرفی کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طائفه‌های منشعب از عقل را چنین معرفی کردند: «فَتَشَعَّبَ مِنَ الْعَقْلِ الْجِلْمُ وَمِنَ الْجِلْمِ الْعِلْمُ وَمِنَ الْعِلْمِ الرَّشْدُ وَمِنَ

الرَّشْدِ الْعِفَافُ وَمِنَ الْعِفَافِ الصِّيَانَةُ وَمِنَ الصِّيَانَةِ الْحَيَاءُ وَمِنَ الْحَيَاءِ الرَّزَانَةُ» «خداوند از عقل بردباری را و از بردباری علم را و از علم رشد را و از رشد پاکدامنی را و از پاکدامنی خویشتن‌داری را و از خویشتن‌داری حیا را و از حیا متانت و وقار را منشعب ساخت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۷۷). همچنین، جایگاه حیا در اسلام در ردیف جایگاه ایمان به خداست. در این رابطه حدیثی از امام باقر علیه السلام که می‌فرماید: «الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ» «حیا و ایمان در یک رشته و هم دوشند. چون یکی از آن دو رفت، دیگری هم در پی آن رود». در روایتی از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ» «حیا از ایمان و ایمان در بهشت است». بنابراین، براساس آیات و روایات درک حضور خدا در تمامی ابعاد زندگی و ناظر بودن او بر انجام اعمال موجب استحکام نظام اخلاقی افراد می‌شود که بدون نیاز به عامل‌های بیرونی، افکار اعمال و احساسات افراد را نظم می‌دهد. بنابراین، توجه به حیا و شناخت جایگاه آن در تربیت انسان اقتضا می‌کند که تربیت حیا در رأس توجهات آموزش دینی باشد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی (تحلیل اسنادی) استفاده شده است. این پژوهش با توجه به ماهیت آنکه به بررسی حیا از منظر قرآن و روایات حیا و جایگاه آن در تعلیم و تربیت پرداخته است، در زمره تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. در این پژوهش با مطالعه منابع از جمله قرآن، نهج البلاغه، تفسیر المیزان، تفسیر نمونه و سایر اسناد مرتبط با موضوع و با استفاده از روش فیش‌برداری مطالب جمع‌آوری و پس از طبقه‌بندی اطلاعات، تحلیل و استنباط و تبیین به دست آمده است و از روش فرانکنا برای تبیین اصول و روش‌های تربیتی استفاده شده است.

یافته‌ها

حیا از نگاه قرآن و روایات با توجه به ناظر

در منابع دین اسلام از جمله قرآن، نهج البلاغه و سایر منابع پیام‌های آشکار و ضمنی زیادی در راستای تربیت فضائل اخلاقی

۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۲۶۶). آنچه باعث حیای زلیخا شد، ناظر بودن بت بود، هر چند نظارت او بر اعمال بشر، خیال باطل است و آنچه مایه شرم حضرت یوسف علیه السلام شد این بود که خداوند آگاه و ناظر بر اعمال بشر است (پسندیده، ۱۳۸۳، ص ۲۶). بنابراین، از تفسیر آیه ذکر شده به جایگاه و منزلت صفت حیا در بازدارندگی از گناه در مقایسه با دیگر عوامل بازدارنده از گناه از نگاه تعالیم دین اسلام پی برده می‌شود.

یکی از اساسی‌ترین مباحثی که در تعریف حیا به آن توجه داده شده این است که وجود ناظر و درک حضور او عاملی در جهت انجام یا ترک عملی است، به طوری که خداوند قبل از وعده مجازات گناهکاران، به بازدارندگی از گناه سفارش کرده است. برای مثال در سوره علق (آیه ۱۴) که جزو سوره‌های عتیق قرآن کریم می‌باشد می‌فرماید: « (آیا) انسان)

نمی‌داند که خداوند او را می‌بیند؟». در حقیقت، در این آیه خداوند پیش از آنکه مردم را به ترس فراخواند، به حیا فراخوانده است (پسندیده، ۱۳۸۳، ص ۲۸). در این آیه خداوند به نظارت خود بر اعمال بندگان خود اشاره می‌کند و اینکه درک حضور و نظارت خداوند بر اعمال خود موجب بازدارندگی از ارتکاب به گناه می‌شود. همچنین، در آیه ۵۹ سوره احزاب خداوند به اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله حکم می‌فرماید: «چون به خانه پیامبر فرا خوانده شدید، زودتر از زمان متداول نروید و بعد از خوردن غذا متفرق شوید و در حضور رسول خدا به سرگرمی و گفتگو روی نیاورید؛ زیرا این امور، پیامبر را آزار می‌دهد ولی او از روی شرم و حیا سخنی نمی‌گوید و خداوند از اینکه حقیقتی را برایتان بیان کند شرمی ندارد». در این آیات بدون اینکه واژه حیا و یا عفت آمده باشد، در محتوا به حیا اشاره دارد. توجه به نظارت و دیدن خداوند و درک حضور او، که به حیا تعبیر می‌شود موجب رفتارهای پسندیده و حفظ حرمت دیگران می‌شود.

در روایتی از امام علی علیه السلام که می‌فرماید: «از خدا پروا داشته باشید که در دید او هستید و زمام شما به دست اوست و حرکات شما در اختیار او است؛ اگر پنهان سازید، آگاه است و اگر آشکار سازید، می‌نگارد. برای اینکار، نگهبانان و مراقبان ارجمند قرار داده که هیچ حق را فرو نمی‌گذارند و هیچ چیز را به باطل ثبت نمی‌کنند» (نهج البلاغه، خ ۱۸۳). در بخش اول این روایت امام

به خصوص فضیلت حیا آمده است و هر جا از حیا ذکری به میان آمده، چه به صورت آشکار و چه به صورت ضمنی، مفهوم درک ناظر و در معرض دید قرار گرفتن اعمال از طرف بیننده متعال سخن به میان آمده است. همچنین، در آیات و روایات، ناظر اعمال انسان خداوند و فرشتگان است. بنابراین، از دیدگاه قرآن جهان در محضر خداوند است و خداوند بر رفتار انسان نظارت دارد و خداوند انسان را به حیا فرا می‌خواند. در آیات دیگری خداوند انسان را به حضور و نظارت فرشتگان متوجه می‌کنند و آنان را به حیا فرا می‌خوانند.

واژه حیا در برخی آیات قرآن عیناً آمده است و در برخی از آیات از محتوا و تفسیر آن استنباط شده است. در یکی از آیات قرآن که در آن لفظ حیا به صراحت بیان شده، آیه ۲۵ سوره قصص می‌باشد: «

...» «ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ

او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت، گفت پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو پردازد...». در این آیه کلمه «استحیا» بدون الف و لام آورده شده است و این برای رساندن عظمت آن حالت است. مراد از اینکه راه رفتش بر «استحیا» بوده، این است که عفت و نجابت از طرز راه رفتش پیدا بود (طباطبایی، بی تا، ج ۱۶، ص ۳۵). بنابراین، می‌توان گفت حیا موجب برانگیختن رفتار توأم با حیا دیگران نسبت به خود می‌شود. همچنین، قرآن کریم در بیان علت امتناع حضرت یوسف علیه السلام در آیه ۲۰ سوره یوسف می‌فرماید: «و در حقیقت (آن زن) آهنگ وی کرد و (یوسف نیز) اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد». در این آیه، از برهان پروردگار به عنوان عامل بازدارنده گناه نام برده شده است. امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر برهان پروردگار می‌فرماید: «زن عزیز مصر به سوی بت رفت و پارچه‌ای بر روی آن انداخت. یوسف علیه السلام از او پرسید: «برای چه این کار را کردی؟» پاسخ داد: «شرم دارم از اینکه این بت، ما را ببیند! در این هنگام یوسف علیه السلام به وی گفت: «آیا تو شرم می‌کنی از چیزی که نه می‌شنود و نه می‌بیند و نه می‌فهمد و نه می‌خورد و نه می‌نوشد، ولی من شرم نکنم از کسی که بشر را آفریده و او را دانش آموخته؟! «این معنای سخن خداوند است که می‌فرماید: «اگر برهان پروردگارش را ندیده بود» (مجلسی،

می‌آمرزد، هر چند به اندازه گناهان جنّ و انس باشد (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۱۱). همچنین، از دیدگاه امام صادق (علیه السلام) اساساً فلسفه ناظر قرار دادن فرشتگان، همین است که مردم با توجه به وجود و حضور آنان، دست از گناه بردارند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۲۳). دقت در پیام‌های آشکار و ضمنی و تلویحی آیات و روایات در باب حیا بیانگر آن است که حیا فضیلتی است که صاحب آن با درک دائمی ناظر و بیننده در حین انجام امور بتواند بر درستی اعمال خود بیاندیشد و بازدارندگی کافی در رفتارهای مداخله‌کننده در رفتارهای خداجویان داشته باشد و اعمال او سمت و سویش با هدف قرب الهی باشد. در این مقاله سعی شده است احساس درونی ناشی از احساس حضور خداوند به‌عنوان ناظر که موجب شکل‌گیری حس درونی و احساس کرامت و بزرگواری درونی شود. بنابراین، شاید نتوان احساس ناظر بودن خدا بر فعل و اشتیاق فاعل را از هم تفکیک کرد.

اهداف اعتقادی تعلیم و تربیت حیا محور

یکی از مهم‌ترین اهداف اعتقادی آموزه‌های دین اسلام قرب الهی است. قرب الهی در تمامی فعالیت‌های تربیتی دینی هدف محوری است. در تعلیم و تربیت حیا محور نیز هدف تربیت قرب الهی است. به طوری که یقین داشتن به حضور آفریدگار و همچنین نظارت او بر تمامی اعمال انسان موجب ترک عمل گناه و گرایش به عمل ثواب می‌شود. در این رابطه در برخی از روایات داشتن حیا خصلت کسانی است که ایمان او کامل و گناهانش بخشوده می‌شود. امام زین‌العابدین (علیه السلام) می‌فرماید: «چهار خصلت است که در هر کسی باشد ایمانش کامل و گناهانش بخشوده خواهد شد و در حالتی خداوند را ملاقات می‌کند که از او راضی و خشنود است؛ الف) تقوای الهی با کارهایی که برای مردم به دوش می‌کشد؛ ب) راستگویی و صداقت با مردم؛ ج) حیا و پاکدامنی نسبت به تمام زشتی‌ها در پیشگاه خداوند و در برابر مردم؛ د) خوش اخلاقی و خوش برخوردی با خانواده خود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۳۸۵). در این روایت امام زین‌العابدین وجود خصلت حیا در نزد مؤمن را موجب رضایت خدا در ملاقات بندگانش می‌داند. همچنین، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «أَرْبَعٌ مِّنْ كُنْ فِيهِ وَكَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ دُنُوبًا بَدَلَهَا

علی (علیه السلام) در میدان دید بودن اعمال انسان از سوی خداوند و ناظر بودن او بر اعمال انسان سخن به میان آورده است و اینکه این درک حضور خداوند بر اعمال موجب احساس پروا و ترس از آفریدگار می‌شود و بازداری از گناه را به همراه دارد. در بخش دوم به ثبت اعمال حق و اعمال باطل از طرف ناظران پرداخته است که در این رابطه به ثبت اعمال از طرف فرشتگان که به امر خدا می‌پردازند به شکل دیگری به موضوع تحت نظارت بودن اعمال انسان به‌طور دائمی از طرف فرشتگان سخن به میان آورده است که درک حضور آنها موجب بازداری از گناه را به همراه دارد. در روایت دیگری امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «بدان که تو در پیشگاه کسی هستی که تو را می‌بیند، هر چند تو او را نمی‌بینی» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶). همچنان که، در آیات و احادیث ملاحظه می‌شود، یقین داشتن به ناظر حاضر موجب بازدارندگی از گناه و همچنین عدم ترک اعمال توأم با حیا نزد مؤمن می‌شود. در برخی دیگر از احادیث و روایات به جنبه دیگری از بازدارندگی از گناه یعنی احساس شرم از خدا در انجام گناه پرداخته شده است. به طوری که احساس شرم موجب بازدارندگی از عمل گناه نزد مؤمن می‌شود. در این رابطه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «شرم کنید امروز از اینکه خداوند از تمام امور شما آگاه است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۳۳۳). در این روایت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز به آگاهی و نظارت خداوند بر اعمال اشاره شده است و شرم از خداوند که ناظری آگاه بر اعمال بشر است به خوبی در این روایت بیان شده است. همچنین، امام زین‌العابدین (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «خَفَّ اللَّهُ لِقَدْرَتِهِ عَلَيْكَ، وَاسْتَحْيَ مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ» «از خداوند متعال بترس، چون بر تو قدرت دارد، و از او شرم کن، چون به تو نزدیک است» (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۸۹). همچنین که در سخنان گهربار ائمه (علیهم السلام) آمده است یکی از عوامل بازدارنده اعمال توأم با گناه احساس نزدیکی (حس دیده شدن) توسط خداوند و احساس شرم از او و همچنین، توانایی درک قدرت او بر انسان است.

در روایات دیگری حیا در معنای نظارت فرشتگان بر اعمال و ثبت تمام اعمال انسان آمده است. امام صادق (علیه السلام) با اشاره به نظارت فرشتگان بر اعمال آدم می‌فرماید: هر کسی که در خلوت، زمینه گناه برایش فراهم شود و خداوند متعال را مراقب خود بداند و از فرشتگان نگهبان، حیا کند، خداوند، همه گناهان او را

نه تنها به معنای پوشاندن عیوب را دارد بلکه موجب آراستگی فرد و احساس کرامت او نزد خود و برانگیختن احترام در اجتماع می‌شود. بنابراین، در این سخن پیامبر حس زیبایی، نجابت و آراستگی اسلام به حیا تعبیر شده است و انسان مؤمن که دارای فضیلت حیا است نفس او دارای آراستگی و اخلاق او دارای کرامت هست. هرچه انسان با حیا باشد، دیگران هم از بازگو کردن عیوب او خودداری می‌کنند. امیر مؤمنان در این باره می‌فرماید: «مَنْ كَسَاةَ الْحَيَاءِ ثَوْبَهُ لَمْ يَرِ النَّاسَ عَيْبَهُ» «آن کسی که لباس حیا بپوشد، کسی عیب او را نبیند» (نهج البلاغه، ح ۲۲۳).

اهداف دنیوی تعلیم و تربیت حیا محور

این دسته از اهداف تربیت حیا محور می‌تواند زیر مجموعه‌ای از اهداف کلی اصلاح رابطه انسان با خود، جامعه و طبیعت باشد و با تحقق تربیت حیا محور، انسانی شایسته در ارتباط با خود، جامعه و طبیعت تربیت شود. یکی از اهداف دنیوی تعلیم و تربیت حیا محور تسلط مؤمن بر نفس خویش است. در این رابطه پیامبر ﷺ در وصف مؤمن می‌فرماید: «به سبب تکریم و حیا از خداوند، مؤمن بر نفس خود مسلط است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۷، ص ۲۱۰). یکی دیگر از اهداف دنیوی تعلیم و تربیت حیا محور عامل بهره‌برداری و کامیابی از زندگی دنیوی او و خیر و صلاح او برای دیگران است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «پنج چیز است که اگر در کسی نباشد، بهره زیادی در او نیست: دین، عقل، حیا، خوش اخلاقی و ادب» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۶، ص ۳۶۹). همچنین، زینت بخشی و آبروسازی حیا در زندگی دنیوی از دیگر اهداف تعلیم و تربیت حیا محور است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حیا در هرچه باشد، زینت بخش آن است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸، ص ۳۳۴). همچنین، خیر و سعادت و کانون زیبایی‌ها و دوری از زشتی‌ها با حیا تأمین می‌شود. پیامبر فرمودند: «تمامی حیا خیر است، بدین معنا که حیا، انسان دین‌دار و بی‌دین را از زشتی‌ها باز می‌دارد و کانون تمام زیبایی‌هاست» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸، ص ۳۳۵). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «حیا، کانون تمام زیبایی‌هاست» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸، ص ۳۳۵). و به فرموده امام صادق علیه السلام: «اگر حیا نباشد، هیچ کار زیبایی انجام نمی‌شود و هیچ کار زشتی ترک نمی‌گردد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۸۱).

اللَّهُ حَسَنَات: الصَّدْقُ وَالْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَالشُّكْرُ» «هر که چهار خصلت داشته باشد و از سر تا پا غرق گناهان باشد، خدا آنها را به حسنات تبدیل کند: راستگویی و حیا و خوش خلقی و سپاسگزاری» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۶۵-۱۶۶). در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند، انسان باحیای بردبارِ توانگرِ پاکدامن را دوست دارد و با انسانِ ناسزاگو، بد دهان و فقیرِ سمج دشمن است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۱۱۱). همچنان که در این روایات ملاحظه می‌شود فضیلت حیا موجب بشودگی از گناهان و کامل شدن ایمان نزد مؤمن می‌شود. بنابراین، فضیلت حیا موجب قرب الهی می‌شود.

اهداف اخلاقی تعلیم و تربیت حیا محور

یکی دیگر از اهداف تربیت حیا محور رشد مکارم اخلاق نزد مؤمنان است. بنابراین، این هدف به‌عنوان مبنای نظام اخلاقی در اسلام است. در فرهنگ اسلامی، حیا احساسی است همچون احساس ننگهبانی حرم؛ حرمی که در صورت غفلت آلوده می‌شود (حرزاده، ۱۳۸۳، ص ۱۷-۲۱ با تلخیص). همچنین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» «همانا من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به اوج و تمامیت برسانم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۸۲). حضرت علی علیه السلام تمامیت مکارم اخلاقی را حیا دانسته‌اند و آن را نیکوترین خصلت‌ها معرفی کرده‌اند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۶). در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا سَلَامٌ عَرِيَانٌ فَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْوَقَارُ وَ مَرُوءَةٌ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ عِمَادَةُ الْوَرَعِ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُ بُنَا أَهْلِ الْبَيْتِ» از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اسلام برهنه است و لباسش حیا و زینتش وقار و سنگینی است و مردانگیش عمل صالح و ستون و پایه‌اش پرهیزکاری است، و هر چیزی را اساس و پایه‌ای است و پایه اسلام، محبت ما اهل بیت است» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۷۷). همچنین، در مقام تمثیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمودند «لَوْ كَانَ الْحَيَاءُ رَجُلًا لَكَانَ رَجُلًا صَالِحًا» «اگر حیا انسان می‌بود، هر آینه انسان شایسته‌ای بود» (متقی هندی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۱۲۲). در این روایات از حیا به منزله لباس اسلام تعبیر شده است. به نظر استفاده از واژه لباس

اهداف اخروی تعلیم و تربیت

بحث حیا و تربیت حیا محور، علاوه بر آثار اعتقادی، اخلاقی و دنیوی که در زندگی انسان تربیت یافته و باحیا دارد، آثار اخروی زیادی هم دارد که انگیزه ما را برای تربیت چنین انسانی، چند برابر می‌کند و هدف ما از چنین تربیتی می‌باشد. یکی از اهداف اخروی تعلیم و تربیت حیا محور امیدواری به اصلاح و بشودگی از گناهان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «به منافق تا وقتی که اهل حیاست، امیدوارم» (طبرسی، ۱۴۰۸ ق). از دیگر اهداف اخروی تربیت حیا محور ایمنی در روز قیامت است. حضرت موسی علیه السلام از خداوند متعال سؤال کرد: «جزای آن کسی که به خاطر حیای از تو، خیانت را ترک گوید، چیست؟»: خداوند متعال فرمود: «ای موسی؛ جزای او ایمنی روز قیامت است» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶۶، ص ۳۸۴). همچنین، ائمه اطهار علیهم السلام برای ترغیب اصحابشان برای رسیدن به فضائل، گاهی از حیا بهره می‌گرفتند. امیر مؤمنان در ترغیب مؤمنان در باب روزه‌داری می‌فرمایند: «آیا هیچ یک از شما شرمسار از این نیست که روز تا شب را تحمل نکند و صبر پیشه نسازد» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۱۳). امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هر کس از حیا محروم باشد، سراسر پلیدی است، هر چند عابد و پارسا باشد؛ و گامی برداشتن در ساحت‌های هیبت الهی همراه با حیای از خداوند، برتر از هفتاد سال عبادت است» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶۸، ص ۳۳۶). بنابراین، ترغیب مؤمنان به عبادت و اطاعت از خداوند متعال از دیگر اهداف تربیت اخروی تعلیم و تربیت حیا محور است. سرانجام اینکه یکی از خرده اهداف تربیت حیا محور این است که انسانی تربیت کند که به واسطه حیای خود به سمت گناه و آلودگی نرود. انسان باحیا، غبار بدن خویش (گناهان) را با تکانی (استغفار) از میان می‌برد (بانکی پور فرد، ۱۳۸۹، ص ۴۷).

اصول تعلیم و تربیت تربیت حیا محور

منظور از اصول تربیت حیا محور، پایه‌ها و قواعدی هستند که بنیان و اهداف تربیت حیا محور بر آنها قرار دارد. از جمله اصول تعلیم و تربیت حیا محور اصل تفکر، اصل کرامت، اصل اعتدال و اصل دهد می‌باشد.

اصل تفکر؛ نظام تربیتی دین اسلام از جمله تربیت حیا محور بر تفکر صحیح استوار است و مقصد آن است که تربیت شدگان این نظام، اهل تفکر صحیح باشند و پیوسته بیندیشند. « (ذاریات، ۲۰-۲۱) «و در زمین اهل یقین را نشانه‌هاست؛ و نیز در خودتان آیا نمی‌نگرید؟». تفکر صحیح در این مجاری، آدمی را به تصحیح زندگی و معرفت حقیقی و درگاه بندگی می‌رساند و این بهترین راه اتّصاف به صفات الهی است (دلشاد، ۱۳۸۲، ص ۲۱۰). همچنان که در آیات و روایات متعدد در موضوع حیا آمده است دعوت مؤمنان به حیا به حالت سؤالی بود. مانند: سوره علق (آیه ۱۴) قرآن کریم که می‌فرماید: « (آیا انسان) نمی‌داند که خداوند او را می‌بیند؟».

اصل کرامت؛ «... (اسراء، ۷۰)» «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم». بنابراین محور تربیت پیامبر بر کرامت انسان‌ها و دعوت به کرامت‌های اخلاقی قرار داشت. شیخ طوسی به اسناد خود از امام علی علیه السلام روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «بر شما باد به کسب کرامت‌های اخلاقی که همانا خدای عزّوجلّ مرا بدانها برانگیخته است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۶، ص ۲۱۰).

اصل اعتدال؛ «

...» «و این چنین شما را ائمتی میانه (متعادل) ساختیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد» (بقره، ۱۴۳). در قرآن کریم آیاتی متعدّد درباره اعتدال وارد شده است و جهت‌گیری تربیتی این کتاب الهی بر این است که انسانی تربیت کند که در همه امور فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و جز اینها متعادل باشد؛ انسانی که مشی و راه و رسمی متعادل داشته باشد. چنان‌که از زبان لقمان حکیم به فرزندش آمده است: « (در رفتارت میانه‌رو باش) (لقمان، ۱۹). راه و رسم اعتدال، کوتاه‌ترین و استوارترین راه تربیت است، راهی که کتاب خدا و آیین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آن بنا شده است. امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: «انحراف به راست و چپ گمراهی است و راه مستقیم و میانه، جاده وسیع حق است، کتاب خدا و آیین رسول همین راه را توصیه می‌کند، و سنت پیامبر نیز به همین راه اشاره

ایمانی است. خدای سبحان مؤمنان را به مراقبه و محاسبه خود فرمان داده و فرموده است: «

*

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید؛ و هر کسی باید بنگرد که برای فردا [ی خود] از پیش چه فرستاده است؛ و از خدا پروا داشته باشید که خدا بدانچه می‌کنید آگاه است و مانند کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنان را دچار خودفراموشی کرد، اینانند بدکاران نافرمان» (حشر، ۱۸-۱۹).

نتیجه‌گیری

انسان به میزان کرامتی که از آن برخوردار است، شرم دارد به زشتی‌ها آلوده شود و یا از زیبایی‌ها محروم گردد. پس حیا می‌تواند در رأس نظام مهارکننده و نظم‌دهنده درونی انسان قرار گیرد و شاید به همین جهت باشد که خداوند متعال، پیش از آنکه مردم را به خوف (ترس) از خود فراخواند، به حیا فراخوانده و فرموده است « (علق، ۱۴) «آیا (انسان) نمی‌داند که خداوند او را می‌بیند؟». اسلام به‌عنوان جامع‌ترین دین آسمانی، اهتمام فراوان به امکانات بالقوه ارزشی در فرد و جامعه داشته و رهنمودهای متقن و لازم را در این خصوص بیان با زبان مفسرین معصوم وحی، گویا و آشکار ساخته است. به اعتقاد آزاداندیشان خردمند، توجه و عمل به این ارزش‌ها می‌تواند زمینه تکامل و وصول به کمالات الهی انسان را فراهم آورد (هدایت‌خواه، ۱۳۸۵، ص ۱۳). براساس پیش‌اسلامی هر انسانی از هنگام تولد با فطرت الهی و گرایش به خداشناسی قدم به عرصه زندگی می‌گذارد. ساختار وجودی انسان به گونه‌ای است که او را به سوی خدا هدایت می‌کند و در این میان تفاوتی بین مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد، بلکه همه انسان‌ها در آغاز زندگی از استعداد‌های خاصی برای حقیقت‌جویی و نیل به کمال بهره‌مندند و به فرموده پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «كَهْلٌ مَوْلُودٌ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ج ۱۶، ص ۴۲۹). هر نوزادی با فطرت الهی متولد می‌شود. ساختار وجودی انسان در هر شرایطی به صورت یکسان عمل نمی‌کند و ممکن است عوامل نامساعد و محیط

می‌کند و سرانجام همین جاده، ترازوی کردار همگان است و راه همه بدان منتهی می‌شود» (نهج البلاغه، خ ۱۶).

اصل زهد؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرده است که فرمود: «هر که در دنیا زهد پیشه کند، خدای متعال به او علم بی‌تعلّم و هدایت بی‌واسطه عنایت کند و او را بینا سازد و کوری‌اش را برطرف نماید» (ابونعیم، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۹).

روش‌های تربیت حیا محور

برای رسیدن به هدف تربیت، روش‌هایی باید مدنظر قرار گرفته شود که متناسب با اصول تربیتی باشد. یعنی در تربیت، هر روش بر پایه اصلی از اصول تربیت استوار است و برای تحقق هر اصل تربیتی، روش خاصی باید انتخاب شود. یکی از روش‌های تعلیم و تربیت حیا محور روش الگویی است. امیرمؤمنان در این باره می‌فرماید: «پیروی کردن از رفتار رسول خدا و الگوگیری از پیامبر برای شما کافی است. بنابراین از پیامبر پاک و پاکیزه‌ات پیروی کن، زیرا راه و رسمش سرمشقی است نیکو برای کسی که بخواهد تأسی جوید؛ و انتسابی است عالی برای کسی که بخواهد منتسب گردد و محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش سرمشق گیرد و قدم در جای قدم او گذارد» (نهج البلاغه، خ ۱۶۰).

از روش‌های دیگر تربیت حیا محور روش محبت است.

»

«...» «پس به لطف و رحمت

الهی با آنان نرمخو و پرمهر شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، هر آینه از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه» (آل‌عمران، ۱۵۹). از جمله روش‌های تربیتی از منظر قرآن روش تذکر است. در این رابطه قرآن می‌فرماید: « (پس تذکر ده که توفیق تذکر

دهنده‌ای» (غاشیه، ۲۱). همچنین در سوره مزمل آیه ۱۹ می‌فرماید: « (این

آیات یادآوری است، تا هر که خواهد، راهی به سوی پروردگار خود پیش گیرد)».

روش مراقبه و محاسبه از دیگر روش‌های تربیت حیا است و از مؤثرترین روش در تصحیح رفتار و کردار صالح و تداوم عمل

ناسالم مانع از شکوفایی و بروز نقش صحیح آن گردد. بر این اساس لازم است به این فطرت آدمی توجه ویژه‌ای مبذول شود تا حس دینی‌اش شکوفا گردد. این کار در سایه تربیت صحیح امکان پذیر است (الهیاری و پرچم، ۱۳۸۹، ص ۲). با توجه به اهمیت حیا در تمامی ابعاد وجودی انسان در دین اسلام، آیات و روایات زیادی به حیا پرداخته‌اند. در بیشتر آیات و روایات هم به صورت مستقیم و هم ضمنی به مفهوم حیا اشاره شده است و در برخی از آیات و روایات هم حیا عیناً آمده است. تفکر در موضوع حیا بیانگر این است که حیا فضیلتی است که موجب درک حضور ناظر بر تمام ابعاد وجودی انسان می‌شود. انسان در هر لحظه از زندگی خود وجود ناظر قادر را در نزدیک خود احساس می‌کند و این حس نزدیکی خدا بر انسان عامل بازدارندگی مهمی در وارد شدن به گناه است. همچنین، درک حضور خدا و ناظر بودن او بر

تمامی ابعاد وجودی انسان موجب جهت‌یابی اعمال در مسیر قرب الهی می‌شود. بنابراین، تربیت حیا محور جایگاه والای را در ابعاد مختلف زندگی دنیوی و اخروی دارد. نتایج نشان داد که تربیت حیا با حوزه اعتقادات هم‌تراز با ایمان آمده است و هدف اعتقادی آن قرب الهی است که هدف محوری در دین اسلام است و این هدف بر مبنای تفکر بنا شده است. همچنین، تعلیم و تربیت حیا محور در بعد اخلاقی نیز با هدف و اصل حفظ کرامت انسانی و تکریم اخلاق قرار دارد که در برخی روایات هدف نهایی رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را کرامت انسان عنوان کرده‌اند. همچنین، براساس آیات و روایات تربیت حیا محور دارای اهداف دنیوی از جمله پوشاندن عیوب و آراستگی شخصیت و دارای اهداف اخروی از جمله بخشودگی گناهان و ایمنی در روز قیامت می‌باشد.

منابع

- * قرآن کریم
* نهج البلاغه، ترجمه شیخ عباس قمی رحمته
۱. ابونعیم، احمد بن عبدالله بن احمد الاصبهانی (بی تا)، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت: دارالفکر.
 ۲. احمد بن فارس (بی تا)، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، تحقیق محمد هارون عبدالسلام، بی جا.
 ۳. اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۴. بانکی پور فرد، امیر حسین (۱۳۸۹)، حیا، اصفهان: حدیث راه عشق.
 ۵. پسندیده، عباس (۱۳۸۳)، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم: انتشارات دارالحدیث.
 ۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ ش)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح مصطفی درایتی، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
 ۷. حرزاده، محمد مهدی (۱۳۸۳)، حیا زیبایی بی پایان، قم، انتشارات شفق.
 ۸. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ ق)، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، قم: مدرسه الإمام المهدی علیه السلام.
 ۹. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: دریا.
 ۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا وابسته به دانشگاه تهران.
 ۱۱. دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی (۱۳۸۱)، اخلاق اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
 ۱۲. دیلمی، شیخ حسن (۱۳۷۶)، ارشاد القلوب الی الصواب، ترجمه علی سلگی نهاوندی، قم: انتشارات ناصر.
 ۱۳. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین (۱۳۷۶)، الامالی، تهران: انتشارات کتابچی.
 ۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا)، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات.
 ۱۵. غزالی، امام محمد (۱۳۷۴ ش)، کیمیای سعادت (چاپ ششم)، به کوشش حسین خدیو جوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرانی. قم.
 ۱۷. قزوینی، محمد بن یزید (۱۳۹۵ ق)، سنن ابن ماجه، به تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار الإحياء التراث.
 ۱۸. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶.
 ۱۹. کلینی (۱۳۶۲ ش)، ج ۳، ص ۱۶۵-۱۶۶.
 ۲۰. متقی هندی، علی بن حسام (۱۳۷۹ ق)، کنز العمال، فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح صفوه الصفا، بیروت: مکتب التراث الاسلامی.
 ۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار الجامعه لعلوم الانمه اطهار، تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
 ۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الانمه الاطهار علیه السلام، بیروت: مؤسسه الوفاء.
 ۲۳. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان (۱۳۶۹)، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۴. نراقی، مهدی (۱۳۶۷)، گزیده علم اخلاق اسلامی (کتاب جامع السعادات)، ترجمه سید جلال الدین مجتبیوی، تهران: انتشارات حکمت.
 ۲۵. نوری طبرسی، حاج میرزا حسین (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، لاحیاء التراث.
 ۲۶. هدایت خواه، ستار (۱۳۸۵)، زیور عفاف (پاسخ به اشکالات و شبهات وارده بر حجاب اسلامی)، مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
 ۲۷. الهیاری، حمیده و اعظم پرچم (۱۳۸۹)، نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان، سومین همایش ملی قرآن کریم سفینه النجاه عصر، تبریز: دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.